

تربیت در بستر فرهنگ مدرسه

یادگیری عمیق و پایدار را نمی‌توان جدا از بستر فرهنگی مدرسه، سازمان و جامعه انتظار داشت. موقعیت یادگیری در همه جا وجود دارد. خلق فرصت‌های یادگیری به کتاب و کلاس نیاز چندانی ندارد، کافی است شوق تغییر و ذوق یادگیری داشته باشیم و ارزش و اهمیت آن را بیابیم و در کسب آن بیشتر درنگ نکنیم. اگر بخواهیم یاد بگیریم و در فضا و شرایط پذیرش یادگیری به سر ببریم، هر موقعیتی می‌تواند برای ما فرصت یادگیری باشد. برخی بستر یادگیری را تنها در کتاب درسی و کلاس درس می‌جویند. برخی دیگر در محیط و بستر فرهنگی مدرسه آن را پی می‌گیرند و برخی هم فضا و موقعیت یادگیری را فراتر از کلاس و مدرسه می‌دانند و بیشتر در پی توسعه و تعمیق بیشتر یادگیری در گستره‌ای وسیع‌تر هستند. میزان و قلمرو یادگیری به تعریف و درک ما از یادگیری برمی‌گردد.

اگر منظورمان از یادگیری کسب مهارت‌های فنی و برخی شایستگی‌های علمی از طریق آموزش در کلاس و آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مدرسه باشد، بدیهی است قلمرو یادگیری در مدرسه و حتی در کلاس درس محدود می‌شود، اما اگر زمینه یادگیری فراتر از مهارت‌های معمول و سنتی، به تغییر در رفتارها، نگرش‌ها و تقویت هویت فردی، ملی، دینی و جهانی کودک گسترش یابد، نیازمند فهم گسترده‌تر و عمیق‌تر فرایند یادگیری و پدagoژی‌های آن خواهیم بود. در دنیای سیال، شفاف و پرشتاب نمی‌توان شایستگی‌ها و قابلیت‌های دانش‌آموزان را تنها با تأکید بر آموزش‌های سنتی و محدود به کتاب درسی و روش معلم و ارزشیابی تحصیلی پروراند. از آنجا که هدف‌های تربیتی، هویت دانش‌آموزان و ماهیت زندگی آنان را نشانه می‌روند، نمی‌توان انتظار داشت هویت (دینی، ملی، فردی و جهانی) دانش‌آموزان بدون توجه به بستر فرهنگی مدرسه و جامعه شکل بگیرد.

«چگونه می‌توان انتظار داشت کتاب‌های درسی و معلم بتوانند هویت دینی، ملی و فردی دانش‌آموزان را بدون توجه و به دور از عدالت اجتماعی، در گستره جامعه و به‌ویژه جغرافیایی که دانش‌آموز در آن زیست می‌کند، تقویت کنند؟ چرا که بسیاری از آموزه‌های دانش‌آموزان از وضعیت اقتصادی و اجتماعی موجود در فضای جامعه متأثر است!» اصولاً تربیت در بستر فرهنگ مدرسه و جامعه رشد می‌کند و شکل می‌گیرد. اگر مدرسه را منهای فرهنگ در نظر بگیریم، چندان تفاوتی با آموزشگاه‌های حرفه‌آموز نخواهد داشت! در حالی که تربیت فراتر از کسب و یادگیری چند فن و مهارت است. تربیت آماده‌شدن برای زندگی پاک، مؤمنانه و کارآفرینانه است. این مفاهیم و این گزاره‌ها در مدرسه‌هایی با فرهنگ و هویت دینی و ملی همه‌جانبه و فضایی که دانش‌آموزان در آن به‌راحتی نفس بکشند و با هم تعامل داشته باشند، رشد و نمو می‌یابند. ناخدایان و ملوانان آموزش و پرورش باید کشتی را در راستای هدف (تربیت و زندگی پاک، مؤمنانه و کارآفرینانه) هدایت کنند تا همه بادها موافق شوند. اگر در دنیای دیجیتال امروز کارکرد فرهنگی را از مدرسه بزداییم یا کم‌رنگ کنیم، یا اثر یادگیری عمیق در بستر فرهنگی را سبک بشماریم و در آماده‌شدن زمینه‌های تحقق آن، که از مهم‌ترین‌های آن‌ها، احترام به چندفرهنگی است، غفلت ورزیم، شعارهای مدرسه‌زدایی و مرگ مدرسه پررنگ‌تر می‌شوند و کارکرد اجتماعی مدرسه به فراموشی سپرده خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت. بنابراین، هر چه به مدرسه و کارکرد فرهنگی و تربیتی آن بیشتر پرداخته شود، به همان نسبت توجه دولت‌مردان و اندیشمندان به بالندگی، اعتلا و حیات آن نیز بیشتر خواهد شد.

